



The Effects of Good Governance and Financial Reforms on Total Factor Productivity in Iran's Industry and Mining Sector

Laleh Tabaghchi Akbari

Ph.D. Candidate, Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. E-mail: l.t.akbari@mail.iaurmia.ac.ir

Mahmoud Babazadeh

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. E-mail: m.babazadeh@iaurmia.ac.ir

Ghasem Sameei

Assistant Prof., Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. E-mail: g.sameei@iaurmia.ac.ir

Tahereh Akhundzadeh Yousefi

Assistant Prof., Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. E-mail: t.akhoondzadeh@iaurmia.ac.ir

Abstract

Objective: This study aims to determine the effect of good governance indicators (voice and accountability, political stability without violent, government effectiveness, regulatory quality, rule of law and control of corruption) and financial reforms (financial liberalization and financial development) on the total factor productivity in Iran's industry and mining sector from 1996 through 2018.

Methods: In this study, the econometric technique of Auto-Regressive Distributed Lag (ARDL) is used to estimate the effects of variables.

Results: The results of estimates indicate that the effect of all indicators of financial reform on total factor productivity is positive in short term and long term. In terms of good governance indicators, we see a positive relationship with variables of government effectiveness and regulatory quality, and a negative relationship with corruption control variables. Also, the effect of variables of voice and accountability and the rule of law are negative in short term and are positive in long term. Political stability without violent also has no effect on total factor productivity.

Conclusion: Since financial indicators and good governance have not reached ideal levels in Iran, and we are still witnessing significant fluctuations in this area, the trend of productivity components in industry and mining has not been very significant. Therefore, failure to improve and expand these indicators can have irreparable consequences for the trend of productivity of industry and mining sector and it seems necessary to provide the grounds for further strengthening and expanding the indicators of financial reform and good governance to improve the productivity of the industry and mining sector.

Keywords: Good governance, Financial reforms, Total factor productivity, Industry and mining sector.

Citation: Tabaghchi Akbari, Laleh; Babazadeh, Mahmoud; Sameei, Ghasem; Akhundzadeh Yousefi, Tahereh (2020). The Effects of Good Governance and Financial Reforms on Total Factor Productivity in Iran's Industry and Mining Sector. *Journal of Public Administration*, 12(2), 263-290. (in Persian)

Journal of Public Administration, 2020, Vol. 12, No.2, pp. 263-290

DOI: 10.22059/jipa.2020.302913.2741

Received: December 08, 2019; Accepted: April 06, 2020

© Faculty of Management, University of Tehran



تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران

لاله طبیحی اکبری

دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: l.t.akbari@mail.iaurmia.ac.ir

محمود بابازاده

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: m.babazadeh@iaurmia.ac.ir

قاسم سامعی

استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: g.sameei@iaurmia.ac.ir

طاهره آخوندزاده یوسفی

استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. رایانامه: t.akhondzadeh@iaurmia.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب (حق اعتراض و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) و اصلاحات مالی (آزادسازی مالی و توسعه مالی) بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن کشور طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ است.

روش: در این پژوهش، برای برآورد اثرهای متغیرها، از روش اقتصادسنجی الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج برآوردها حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیر تمامی شاخص‌های اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید مثبت است. در زمینه شاخص‌های حکمرانی خوب نیز، در ارتباط با متغیرهای اثربخشی دولت و کیفیت مقررات، شاهد رابطه مثبت و در ارتباط با متغیر کنترل فساد، شاهد رابطه منفی هستیم. تأثیر متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون نیز در کوتاه‌مدت، منفی و در بلندمدت مثبت است. ثبات سیاسی بدون خشونت نیز بر بهره‌وری کل عوامل تولید بی‌تأثیر است.

نتیجه‌گیری: از آنجا که در ایران، شاخص‌های مالی و حکمرانی خوب به سطح ایده‌آل نرسیده‌اند و همچنان در این زمینه، نوسان‌های شایان توجهی را شاهد هستیم، روند مؤلفه‌های بهره‌وری در بخش صنعت و معدن چندان چشمگیر نبوده است. بنابراین عدم بهبود و گسترش این شاخص‌ها، برای روند بهره‌وری بخش صنعت و معدن، عواقب جبران‌ناپذیری به همراه می‌آورد و ضروری به نظر می‌رسد که زمینه‌های تقویت و گسترش بیشتر شاخص‌های اصلاحات مالی و حکمرانی خوب در راستای ارتقای بهره‌وری بخش صنعت و معدن فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، اصلاحات مالی، بهره‌وری کل عوامل تولید، بخش صنعت و معدن.

استناد: طبیحی اکبری، لاله؛ بابازاده، محمود؛ سامعی، قاسم؛ آخوندزاده یوسفی، طاهره (۱۳۹۹). تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران. *مدیریت دولتی*، ۱۲(۲)، ۲۶۳-۲۹۰.

مقدمه^۱

امروزه، بخش صنعت و معدن در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، به بخشی رهبری‌کننده در عرصه اقتصاد تبدیل شده است. رشد این بخش این امکان را فراهم می‌آورد که قدرت عوامل تولید با توجه به توسعه روزافزون علم و فناوری به صورت مستمر افزایش یابد. در واقع، بخش صنعت و معدن می‌تواند در تولید و اشتغال، نقش چشمگیری ایفا کند و هم‌زمان درصد عمده‌ای از صادرات کشورها را به خود اختصاص داده و منابع اولیه سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم کند. به طوری که بر اساس پژوهشی که سازمان جهانی کار^۲ انجام داده، بالاترین سهم نیروی کار طی بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ مربوط به بخش صنعت و معدن است. بر اساس پیش‌بینی این سازمان، به دلیل اصلاحات زیرساخت‌های صنعتی – معدنی در کشورهای جهان و بهره‌گیری کارآتر از پتانسیل‌های بخش صنعت و معدن، سهم اشتغال این بخش در کل اشتغال جهان طی سال‌های آتی، می‌تواند در حدود حداقل ۲۲ درصد تثبیت شود که آمارهای بانک جهانی^۳ (۲۰۲۰) نیز آن را تأیید می‌کنند. زیرا، در سال ۲۰۱۹ شاهد ۲۳/۰۲ درصد سهم اشتغال این بخش در سطح جهان هستیم (سازمان جهانی کار، ۲۰۱۵ و بانک جهانی، ۲۰۲۰). پژوهش‌های مؤسسه مک‌کینزی^۴ (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد که بخش صنعت و معدن، در سال ۲۰۱۰ به طور متوسط در تولید و صادرات برخی از کشورهای توسعه‌یافته سهم ۷۰ درصدی داشته که آمار بانک جهانی در زمینه سهم صادرات با تکنولوژی بالا نیز، گواه دیگری بر شکل‌گیری این سهم بالای تولیدی و صادراتی است، به طوری که سهم صادرات با تکنولوژی بالا از کل صادرات صنعتی در سطح جهان، معادل ۲۰/۷۹ درصد در سال ۲۰۱۸ بوده است (مؤسسه مک‌کینزی، ۲۰۱۰ و بانک جهانی، ۲۰۲۰). از این رو، نمی‌توان به اهمیت و نقش این بخش در اقتصاد بی‌تفاوت بود (ولی‌زاده، ۱۳۹۵).

به شرط مهیا بودن زیرساخت‌های مالی و غیرمالی (نهادی) در بخش صنعت و معدن ایران، می‌توان از پتانسیل‌های بالقوه این بخش در راستای تولیدات بیشتر بهره‌گرفت و نیاز کشور به درآمدهای نفتی را کاهش داد. از این رو، در صورت تحقق این امر، بخش صنعت و معدن در ایران می‌تواند همانند کشورهای توسعه‌یافته، در توسعه اقتصادی نقش شایان توجهی ایفا کند، به طوری که طبق قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، به تکمیل زیربنایها و زیرساخت‌های مورد نیاز بخش صنعت و معدن، صادرات غیرنفتی، صادرات محصولات معدنی با ارزش افزوده بالا و قطع وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی تأکید شده و برای حمایت هرچه بیشتر از بخش صنعت و معدن نیز، سهم این بخش از تسهیلات پرداختی، حداقل ۴۰ درصد تعیین شده است (بانک مرکزی، ۱۳۹۹). در تئوری‌های رشد نیز، بهره‌وری به‌عنوان یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی مطرح بوده و سطح بهره‌وری در تولیدات بخش صنعت و معدن نیز، یکی از معیارهای مهم و تعیین‌کننده قدرت این بخش برای دستیابی به مزیت‌های نسبی در سطح داخلی و خارجی است. به بیان دیگر، رشد بهره‌وری بخش صنعت و معدن یکی از پیش‌شرط‌های اساسی ارتقای سطح رقابت‌پذیری این بخش و موفقیت آن در

۱. این مقاله از رساله دکتری لاله طبیحی اکبری، در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه استخراج شده است.

2. International Labour Organization
4. McKinsey & Company

3. World Bank

شرایط رقابت فزاینده جهانی به شمار می‌رود (عطرکار روشن، موسوی و رسولی، ۱۳۹۴). با وجود این، در ایران، روند مؤلفه‌های بهره‌وری در بخش صنعت و معدن چندان چشمگیر نیست، به طوری که از یک سو شاهد تعطیلی تعدادی از واحدهای صنعتی هستیم و از سوی دیگر نیز، کسب نکردن حداکثر ارزش افزوده از معادن در حال بهره‌برداری و متوسل شدن به خام‌فروشی این منابع معدنی، معضل دیگری در مسیر رشد بهره‌وری بخش صنعت و معدن ایجاد کرده است. در چنین حالتی، این بخش نمی‌تواند پاسخ‌گوی مناسبی برای درآمد ملی باشد و به طبع در چنین وضعیتی، حجم صادرات غیرنفتی کاهش یافته و وابستگی کشور به درآمدهای نفتی دوچندان می‌شود. به طوری که بر اساس گزارش بانک مرکزی، سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷ به ترتیب معادل ۱۶/۶ و ۱۸/۲ است و صادرات غیرنفتی نیز از ۳۱۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ به ۴۴۳۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ رسیده است. در چنین حالتی، درآمدهای نفتی نیز از ۳۸۱۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ به ۱۱۰۵۴۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۷ فزونی یافته است (بانک مرکزی، ۱۳۹۹).

اندیشمندان اقتصادی، در زمینه پایین بودن نرخ رشد بهره‌وری در کشورهای در حال توسعه، علل گوناگونی ارائه کرده‌اند که از جمله این موارد می‌توان به اصلاحات ناکافی در زمینه‌های مالی و ضعف شاخص‌های نهادی مربوط حکمرانی‌های خوب در این جوامع اشاره کرد (آدیوسی و آلوکو، ۲۰۱۵). از یک سو، نبود یک نظام مالی کارآمد برای تأمین مالی طرح‌های معدنی - صنعتی در ایران، از مشکلات پیش روی بخش صنعت و معدن است. در واقع، به دلیل مشکلات ساختاری و نظارتی، بخش مالی هنوز به مرحله آزادسازی و توسعه‌یافتگی کامل نرسیده است و این بخش نتوانسته به صورت گسترده و فعال، به تأمین مالی پروژه‌های معدنی - صنعتی که پروژه‌هایی با مخارج، ریسک و بازدهی بالاتری هستند و دوره بازگشت سرمایه طولانی‌تری را به همراه دارند، بپردازد. از آنجا که تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در ایران، کمتر بر عمده بازار سرمایه است و برعکس بخش عظیمی از نیازهای مالی این طرح‌ها از طریق منابع مالی بانکی است، بازارهای مالی ایران در راستای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری این بخش به صورت موفق عمل نکرده‌اند. از طرفی نیز، شدت تحریم‌ها مانع بزرگی در مسیر ورود سرمایه‌های خارجی ایجاد کرده و زمینه‌های خروج هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی را فراهم کرده است. بنابراین، در بخش مالی، نیاز به اصلاحات مالی احساس می‌شود و بدون اصلاحات مالی کافی، بخش صنعت و معدن نمی‌تواند عملکرد مفیدی داشته باشد. از سوی دیگر، ضعف شاخص‌های نهادی مربوط به حکمرانی خوب (اصلاحات نهادی ناکافی)، می‌تواند گواه دیگری در زمینه کارایی پایین بخش صنعت و معدن باشد. از آنجا که فرایند سرمایه‌گذاری، به خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش صنعت و معدن، به تغییرات نهادی فضای کسب و کار بسیار حساس است و به دلیل دولتی بودن عمده فعالیت‌های صنعتی - معدنی، به ویژه فعالیت‌های معدن کاری و تصدیگری بیش از حد دولت در این زمینه، لزوم تفکیک وظایف حاکمیتی و اعلام سیاست‌های شفاف نهادی در این بخش احساس می‌شود (بهبودی، برقی اسکوتی و محمدی خانقاهی، ۱۳۹۶؛ زمانیان و عبدی، ۱۳۹۴ و پارسائیان، ۱۳۹۰)، به طوری که مستندات بانک جهانی طی سال‌های بررسی شده نیز، گواه دیگری بر

ضعف این شاخص‌ها هستند و لزوم اصلاحات در زمینه شاخص‌های حکمرانی در ایران را دوجندان می‌کنند. در واقع، طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸، برای شاخص‌های حکمرانی خوب، همواره شاهد ارقام منفی هستیم، به طوری که طی سال‌های یادشده، بیشترین مقدار متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، به ترتیب برای سال ۱۹۹۸ معادل ۰/۸۶-، برای سال ۱۹۹۶ معادل ۰/۳۲-، برای سال ۲۰۱۶ معادل ۰/۱۹-، برای سال ۲۰۰۳ معادل ۱/۱۸-، برای سال ۲۰۰۰ معادل ۰/۵۱- و برای سال ۲۰۰۲ معادل ۰/۱۹- بود. کمترین مقادیر این متغیرها نیز به ترتیب برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ معادل ۱/۶۱-، برای سال ۲۰۱۰ معادل ۱/۶۳-، برای سال ۲۰۱۳ معادل ۰/۶۸-، برای سال ۲۰۰۹ معادل ۱/۷۲-، برای سال ۲۰۱۴ معادل ۱/۰۶- و برای سال ۲۰۱۸ معادل ۰/۹۶- بود که این ارقام منفی نشانه‌ای از حکمرانی ضعیف هستند، بنابراین به اصلاح و تقویت شاخص‌های حکمرانی نیاز است (بانک جهانی، ۲۰۲۰). بر این اساس، بررسی تأثیرات مستقیم و هم‌زمان شاخص‌های حکمرانی خوب و اصلاحات مالی می‌تواند به شناسایی ریشه‌های مشکلات بخش‌های مالی و نهادهای حکمرانی در راستای تقویت این شاخص‌ها و ارتقای بهره‌وری بخش صنعت و معدن کمک شایانی کند و زمینه‌های کاهش وابستگی کشور به درآمدهای نفت و گاز را فراهم کرده و در راستای تحقق اصلی‌ترین هدف اقتصاد مقاومتی (کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی)، موفق عمل کند؛ زیرا، همان‌طور که شواهد کشورهای توسعه‌یافته این امر را اثبات می‌کنند، در صورت انجام اصلاحات مالی و نهادی مناسب و کافی، بهره‌وری بخش صنعت و معدن می‌تواند به‌طور شایان توجهی افزایش یابد. در واقع، در چنین حالتی، حجم عظیم مخارج از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شود و وابستگی کشور به درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد که این امر نیز می‌تواند تولید و بهره‌وری پایداری را به‌همراه داشته باشد. از این رو، با توجه به مباحث بیان‌شده، هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران است. از آنجا که در زمینه بررسی تأثیرات مستقیم و هم‌زمان حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری بخش صنعت و معدن کشور، به‌صورت هم‌زمان و با تکیه بر روش الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)^۱، پژوهش خاصی صورت نگرفته و در پژوهش‌ها به‌طور عمده، در مقایسه با سطح اقتصاد بخشی، بیشتر به تأثیرات انفرادی شاخص‌های حکمرانی خوب و اصلاحات مالی در سطح اقتصاد ملی تکیه شده بود، در این مقاله با طراحی مدل جامع‌تری، به بررسی تأثیرات هم‌زمان حکمرانی خوب (حق اعتراض و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) و اصلاحات مالی (آزادسازی مالی و توسعه مالی) بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ پرداخته می‌شود تا از این طریق بتوان ریشه‌های مشکلات بخش‌های مالی و نهادهای حکمرانی را بهتر شناسایی کرد و در راستای تقویت هرچه بیشتر این شاخص‌ها و ارتقای بهره‌وری بخش صنعت و معدن و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، گام‌های مؤثری برداشت.

پیشینه نظری و تجربی

بهره‌وری

بهره‌وری دیدگاهی فکری است که همواره سعی دارد آنچه را که در حال حاضر وجود دارد، بهبود بخشد. به‌طوری که بهبود بهره‌وری، مستلزم تلاش در راه انطباق فعالیت‌های اقتصادی با شرایطی است که دائم در حال تغییر هستند. بهره‌وری را می‌توان معیار عملکرد یا قدرت و توان موجود در تولید کالا و خدمات یا به دست آوردن نتیجه کمی و کیفی مطلوب از نهاده‌ها در راستای اهداف جامعه و سازمان دانست، از این رو، گفتنی است که برای رسیدن به بهره‌وری بایستی به‌طور کارا و مؤثر عمل کرد (مهرگان، حسین زاده و ربیعی سروندی، ۱۳۹۸). بهره‌وری از لحاظ مفهومی، به‌معنای استفاده مؤثر و کارآمد از منابع در فرایند تولید است. همچنین، در مبحث بهره‌وری این دیدگاه وجود دارد که هر روز می‌توان کارها را بهتر از روز قبل انجام داد و در نتیجه، امکان افزایش مستمر بهره‌وری همواره می‌تواند وجود داشته باشد. از دید سولو^۱ (۲۰۱۶)، جزء باقی‌مانده رشد تولید، همان بهره‌وری کل عوامل تولید است، یعنی بخشی از رشد تولید که به نیروی کار، سرمایه فیزیکی و نهاده‌های واسطه، مربوط نیست. در واقع، بهره‌وری از مبانی علوم اقتصاد و مدیریت است که مقدار کالا یا خدمات نهایی تولیدشده را با توجه به انرژی یا کار صرف‌شده، بدون کاهش یافتن کیفیت نشان می‌دهد. به بیان دیگر، بهره‌وری عبارت است از ایجاد حداکثر سود ممکن، با به‌کارگیری مؤثر از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت و تخصص، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و ... در راستای افزایش رفاه جامعه (نپان^۲، ۲۰۱۳). بهره‌وری از جمله متغیرهایی است که بررسی تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر آن ضروری است.

حکمرانی خوب

حکمرانی، بیانگر مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی است که به‌وسیله آنها، به‌طور رسمی و غیررسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات پرداخته می‌شود. حکمرانی اصطلاحی است که اغلب، برای توضیح تغییرات در ماهیت و نقش دولت در پی اصلاحات بخش عمومی که به چابک‌سازی از بوروکراسی سلسله‌مراتبی به‌سمت به‌کارگیری بیشتر بازارها، شبه‌بازارها و شبکه‌ها، به‌ویژه در ارائه خدمات عمومی منجر شده، به‌کار می‌رود (کریم‌پان، محمدی، قاضی نوری و ذوالفقارزاده کرمانی، ۱۳۹۸). از دیدگاه بانک جهانی به‌عنوان پایه‌گذار مفهوم حکمرانی خوب، حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع هر کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در واقع، حکمرانی خوب چارچوبی است که به مسئله کیفیت حکمرانی توجه دارد. در این چارچوب، نهادهای گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به‌کار برند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). نظریه حکمرانی خوب حاوی چندین مبانی اصلی است. نخست اینکه اندازه دولت مهم نیست، بلکه کارایی و کارآمدی آن مهم است، به این معنا که برخی جوامع به دولت‌های بزرگ‌تر و برخی جوامع، به دولت‌های

کوچک‌تر نیاز دارند. مسئله دوم در این نظریه این است که دولت به‌عنوان یکی از بخش‌های حکمرانی مطرح است. در حکمرانی خوب، بخش خصوصی و نهادهای مدنی، دو بازوی دیگر حکمرانی هستند که اگر قواعد بین این سه نهاد به‌درستی تنظیم شود، حکمرانی خوب حاصل خواهد شد. در واقع، حکمرانی خوب را می‌توان معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). کافمن، کرای و مسترازی^۱ (۲۰۱۰) و بانک جهانی برای حکمرانی خوب، شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را ارائه کردند که در مقاله حاضر نیز، استفاده شده است. هر قدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، می‌توان گفت که حکمرانی خوب برقرار است (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰ و بانک جهانی، ۲۰۲۰):

- حق اعتراض و پاسخ‌گویی: مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمع‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را در بر می‌گیرد.
- ثبات سیاسی بدون خشونت: از مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می‌شود.
- اثربخشی دولت: به‌طور عمده، بیانگر توانایی دولت در قانون‌گذاری، دآوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران است.
- کیفیت مقررات: مفاهیمی چون مقررات دست‌وپاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها را در بر می‌گیرد.
- حاکمیت قانون: اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت، از جمله مؤلفه‌های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند.
- کنترل فساد: از مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

اصلاحات مالی

در پژوهش حاضر، اصلاحات مالی از دیدگاه آزادسازی مالی و توسعه مالی بررسی می‌شود که در ذیل به تشریح هر یک از این مفاهیم می‌پردازیم.

آزادسازی مالی

آزادسازی مالی، فرایندی است که در آن، محدودیت‌های قانونی و اداری بر تحرک سرمایه لغو می‌شود، بنابراین شرایط لازم برای یکپارچگی سیستم مالی در بازارهای جهانی را ایجاد می‌کند، از این رو، آزادسازی مالی برای دستیابی به ادغام مالی بین‌المللی ضروری است. به بیان دیگر، آزادسازی مالی به مفهوم کاهش یا حتی حذف تمامی موانع در بخش خدمات مالی با اجازه دادن به ورود بنگاه‌های مالی خارجی در بانکداری، بازار سهام و سایر بخش‌های خدمات مالی یک کشور است. در واقع، آزادسازی مالی یا همان جهانی شدن مالی، جنبه بسیار مهمی از فرایند جهانی شدن اقتصاد است و در متون نظری از آن، اغلب با عنوان آزادسازی حساب سرمایه یاد می‌شود. به طوری که عواملی مانند سرمایه‌های بین‌المللی، هم‌گرایی مالی کشورها، گسترش روابط مالی منطقه‌ای و بین‌المللی، شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای و نواحی مالی منطقه‌ای و بین‌المللی، آزادسازی و هم‌گرایی در نرخ‌های بهره منطقه‌ای و بین‌المللی، آزادسازی نرخ ارز و تشکیل اتحادیه‌های پولی، عملکرد نهادهای مالی و کاهش کنترل‌ها، می‌توانند به آزادسازی مالی منجر شوند (نای و لیو، ۲۰۱۹). آزادسازی مالی منافع متعددی دارد که علاوه بر افزایش رشد اقتصادی، می‌توان به گسترده‌تر شدن انتخاب‌ها، متنوع‌سازی ترکیب دارایی‌ها برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، هموارسازی مصرف بین دوره‌ای و زیاده‌تر شدن تعمیق مالی و کارایی نظام مالی داخلی اشاره کرد. تحرک کامل و آزاد سرمایه در بین کشورها این فرصت را فراهم می‌آورد که نرخ بازدهی پس‌اندازها به حداکثر مقدار خود رسیده، استقرار با مطلوب‌ترین نرخ انجام شده و ریسک کشورها متنوع شود (یانگ، شی، وانگ و جیانگ، ۲۰۱۹).

توسعه مالی

توسعه مالی یکی از ابزارهای مهم تقویت سیستم مالی و ایجاد تحول در ساختار مالی کشورها از طریق رقابت‌پذیرتر کردن آن محسوب می‌شود و یکی از الزامات مهم رشد اقتصادی بالا و پایدار است. توسعه مالی، مجموعه عوامل، خط‌مشی‌ها و نهادهایی است که به ایجاد بازارهای مالی و واسطه‌های مالی اثربخش منجر می‌شود و دسترسی عمیق و گسترده را به سرمایه و خدمات مالی فراهم می‌کند. همچنین، توسعه مالی مترادف با تعمیق دارایی مالی دانسته شده و به حالتی گفته می‌شود که سرعت افزایش دارایی‌های مالی بیش از سرعت افزایش دارایی‌های غیرمالی باشد. در این حالت نسبت دارایی‌های مالی به دارایی‌های غیرمالی رو به افزایش می‌گذارد (ستی، چاکرابارتی و بهات تاچارجه، ۲۰۲۰). خدمتی که توسعه مالی برای بنگاه‌های اقتصادی انجام می‌دهد، سهولت دسترسی به منابع مالی است، به طوری که سرمایه‌گذاران حداکثرکننده سود، در فضایی با فرصت‌های برابر، می‌توانند با کمترین هزینه، سرمایه‌های مد نظر خود را تأمین مالی کنند و فقط در این صورت است که سرمایه‌گذاری‌های بهینه در اقتصاد صورت می‌گیرد. در واقع، می‌توان چنین ادعان داشت که به واسطه توسعه مالی، دسترسی عمیق و گسترده به سرمایه و خدمات مالی فراهم می‌شود. از این رو، توسعه مالی از یک سو می‌تواند به تخصیص بهینه منابع منجر شود که در نتیجه آن، از منابع موجود در حد اشتغال

1. Ni & Liu

2. Yang, Shi, Wang & Jing

3. Sethi, Chakrabarti & Bhat tacharjee

کامل بهره‌برداری می‌شود و در نهایت، به تولید و افزایش رفاه جامعه منجر می‌شود و از سوی دیگر با افزایش سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود، به افزایش تولید منجر می‌شود (باتو، ملامبو و آسونگو^۱، ۲۰۱۸).

حکمرانی خوب و بهره‌وری

اثر بخشی هر حکومتی در گروی قواعد نهادی آن کشور است. در واقع، حکومت قدرتمند از توانایی زیادی برای رسیدن به اهداف خود، از جمله نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی و بهره‌برداری از منابع و تخصیص یا استفاده آنها برخوردار است. در مقابل آن، حکومت ضعیف قرار دارد که در ایفای نقش خود، توانایی سازمانی و نهادینه کردن آنها، ضعیف است. بنابراین، بدون در نظر گرفتن رویکرد نهادی، تبیین رابطه بین شاخص‌های حکمرانی - نهادی و بهره‌وری نیز واقع‌بینانه نخواهد بود (رهنورد، علی پور، دهدار و خلیلی، ۱۳۹۸). در واقع، مباحث جدید اقتصاد کلان بر اقتصاد نهادگرایی تأکید دارد تا از این طریق بتواند الگوی مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در داخل یک کشور بنا کند و با طراحی ساختاری انگیزشی، فعالیت‌های مولد را در جامعه به پیش برده و محیطی را ایجاد کند که در آن، زمینه فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود (پروچازکا و سرماکوا^۲، ۲۰۱۵). تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری از مجاری مختلفی انجام می‌شود. در بیشتر موارد، این عوامل، سبب تلاطم در شاخص‌های بهره‌وری می‌شوند. جهت‌گیری اقتصاد به‌سوی ایجاد اصلاحات در ساختار نهادهای مربوط به حکمرانی خوب می‌تواند به ترغیب سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار منجر شود و از این طریق، پویایی اقتصادی و رشد و بهره‌وری پایدار را در پی داشته باشد. به اعتقاد استیگلیتز^۳ (۲۰۱۲)، تعامل سازنده مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌تواند راه‌گشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی باشد. نهادهای کارآمد، برای تنظیم روابط اقتصادی به شیوه‌ای کم‌هزینه، ساده و به‌دور از اتلاف وقت، محیط مناسبی فراهم می‌کنند و از این مسیر به‌عنوان دست یاری‌رساننده بازار، زمینه‌های رشد بهره‌وری را فراهم می‌کنند (استیگلیتز، ۲۰۱۲ و عبداللهی^۴، ۲۰۱۳). در واقع، قواعد نهادی مربوط به حکمرانی خوب به‌واسطه کاهش نااطمینانی مبادلات، مخارج مبادلاتی را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌وری را افزایش می‌دهند. در این چارچوب نظری، نهادهای کارا (مانند شفافیت در تصمیم‌گیری بخش عمومی و پاسخ‌گویی و مهم‌تر از همه به‌کارگیری صحیح نهادهای رسمی مانند قوانین و مقررات)، مسیر رفتارهای کم‌هزینه را هموار کرده و اثر بخشی عوامل تولید و در پی آن، بازدهی فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهند. منظور از مسیر رفتارهای کم‌هزینه عواملی مانند مخارج ورود به کسب‌وکار، گفت‌وگو، نظارت، حفاظت و حقوق مالکیت است (فوستر، پوسچل و استحرر^۵، ۲۰۱۲). به گفته داگلاس نورث^۶ نیز نهادها، قوانین بازی در جامعه هستند. نهادها موجب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشری می‌شوند. نهادهای حکمرانی خوب به‌عنوان ایجادکننده ساختاری انگیزشی، باعث کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بهبود

1. Batuo, Mlambo & Asongu
3. Stiglitz
5. Foster, Pöschl & Stehrer

2. Procházka & Čermáková
4. Abdullahi
6. North

عملکرد نهاده‌های تولیدی می‌شوند (نورث، ۲۰۱۶). در واقع، کارگزاران فعال در بخش خصوصی برای حضور کارا در زمینه سرمایه‌گذاری، به محیطی آرام، مطمئن و امن نیاز دارند که چنین محیطی، زاینده ماهیت و رفتار دولت، عملکرد شهروندان و ساختار سیاسی اجتماعی جامعه و محیط بین‌المللی است. دولت دموکراتیک با حمایت از حقوق بشر به واسطه افزایش حق اعتراض و پاسخ‌گویی، اجازه مشارکت بیشتر در توزیع مناسب‌تر امکانات تولیدی را مهیا می‌کند. تشویق بحث‌های آزاد در رابطه با سیاست‌مداران و سیاست‌ها، با کاهش هزینه‌های ریسک سرمایه‌گذاری، زمینه‌های افزایش سرمایه‌گذاری را ایجاد کرده و موجبات فرار مغزها را کاهش داده و زمینه‌های رشد و بالندگی را در جامعه فراهم می‌کند. دولت اثربخش و کارا پاسخ‌گوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی به خدمات و کیفیت و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مناسب برای توسعه پایدار خواهد بود (مسرون^۱، ۲۰۱۳). جامعه توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که قانون در آن در سطح بهینه تولید شده باشد، نه آن‌چنان کم که رفتارهای بی‌قاعده و هزینه‌بر امور جامعه را مختل کند و نه آن‌چنان زیاد که مسیر را بر انتخاب بهینه افراد ببندد. حاکمیت قانون نیز به واسطه حمایت از حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادهای و مهم‌تر از همه با ایجاد کارآفرینی زمینه بهبود عملکرد نهاده‌های تولیدی را فراهم می‌کند. از طریق کنترل فساد نیز، با تخصیص بهینه استعدادهای جامعه و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه، جامعه از پتانسیل‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش تولید و بهره‌وری پایدارتر فراهم می‌شود، اما اگر این اصلاحات نهادی در زمینه مؤلفه‌های حکمرانی خوب محقق نشود، ممکن است سرمایه‌گذاران، سرمایه خود را به کشورهای دیگری منتقل کنند یا آن را در پروژه‌های کوچک و کوتاه‌مدت به کار اندازند که می‌تواند موجبات کاهش سطوح بهره‌وری را فراهم آورد (تاوارس^۲، ۲۰۰۹). در واقع، گفتنی است که تفاوت‌ها در بهره‌وری محقق شده، به واسطه تفاوت در نهادها و سیاست‌های دولتی مشخص می‌شود که مجموعه این عوامل را می‌توان با عنوان زیرساخت‌های اجتماعی معرفی کرد. «دخالت‌های دولت»، «قراردادهای ضعیف»، «موانع سخت تجاری» و «مقامات منحرف دولت»، مواردی از زیرساخت‌های اجتماعی بد هستند که می‌توانند بهره‌وری را کاهش دهند. بنابراین، برای درک تفاوت‌های «تغییرات فنی» بین کشورها، ضروری‌ترین نکته، تعیین چگونگی تأثیر مفاهیمی همانند «زیرساخت‌های اجتماعی بد»، «قراردادهای ضعیف»، «دخالت‌های دولت»، «شاخص‌های سیاسی و اجتماعی» و «افزایش برخی هزینه‌ها در بودجه» بر سطح بهره‌وری است (پروچازکا و سرماکوا، ۲۰۱۵).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین ادعان داشت که هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های حکمرانی - نهادی در راستای ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقراری حاکمیت قانون، فراهم شدن امنیت لازم برای فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، ضمانت حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند در زمینه فراهم کردن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار، اقدامی مؤثر تلقی شود. در واقع، بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، افزایش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمد بودن نظام

قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی و بی‌عدالتی)، وجود تنش‌های داخلی و بین‌المللی و ناکارآمدی قوانین و مقررات، باعث ارتقای هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و تقلیل انگیزه برای فعالیت‌های کارآمد اقتصادی شده که عواقب آن در بازار عوامل تولید نیز جلوه‌گر خواهد شد، به طوری که در بلندمدت بر چنین بازاری، رکود شدید و گسترده‌ای سایه می‌افکند و مانع بزرگی برای توسعه رضایت‌بخش و مطلوب این بازار ایجاد خواهد شد (تاواریس، ۲۰۰۹). به بیان دیگر، چنانچه به لحاظ شاخص‌های حکمرانی شاهد وضعیت مناسبی نباشیم یا این شاخص‌ها به مرحله ایدئال نرسیده باشند (بر اساس گزارش بانک جهانی، به سمت عدد ۲/۵- متمایل شوند)، می‌توان شاهد رابطه منفی و حتی نبود رابطه نیز بود، زیرا این وضعیت منعکس‌کننده حکمرانی ضعیف است و به طبع در چنین حالتی، حکمرانی ضعیف نمی‌تواند محرک مناسبی برای فضای کسب‌وکار در راستای ارتقای بهره‌وری باشد (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

اصلاحات مالی و بهره‌وری

اصلاحات مالی از طریق جریان‌های بین‌المللی سرمایه، بر ایجاد و تقویت هم‌گرایی بازارهای واقعی و مالی اقتصادی بین کشورها اثرگذار است. در واقع، چنین اصلاحاتی، جریان‌های مالی را تسهیل کرده و کارایی بازارهای مالی را افزایش می‌دهد. از طرفی، با اصلاح ساختارهای مالی، آسیب‌پذیری کشورها در برابر شوک‌ها و تهدیدهای خارجی کاهش پیدا کرده و اعتبار و ثبات بیشتری بر بازارهای واقعی و مالی حکم‌فرما می‌شود. از این رو، میانگین ریسک بین کشورها نزول کرده و برای انتقال سرمایه‌های هرچه بیشتر بستری مناسب فراهم می‌شود. طبیعی است که در چنین وضعیتی، تولیدات بخش‌های مختلف اقتصادی به‌زای نهاده‌های تولیدی نیز افزایش می‌یابد که این امر، افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را در پی دارد (سانکوه^۱، ۲۰۱۷). برای بررسی‌های دقیق‌تر در زیر به تشریح تأثیر تک‌تک مؤلفه‌های اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید به تفکیک آزادسازی مالی و توسعه مالی پرداخته می‌شود.

• نقش آزادسازی مالی در بهره‌وری کل عوامل تولید

توجه به شاخص‌های آزادسازی مالی در بهره‌وری بهره‌وری کل عوامل تولید، نخستین بار در مدل‌های نئوکلاسیکی^۲ مطرح شد. بر اساس چارچوب نظری مدل نئوکلاسیک‌ها، آزادسازی مالی به‌واسطه آزادسازی جریان سرمایه، باعث انتقال جریان سرمایه از اقتصادهای با سرمایه بالا به اقتصادهای با سرمایه پایین می‌شود. این جریان‌های سرمایه، پس‌انداز داخلی را در کشورهای با موجودی سرمایه اندک، کامل کرده و به افزایش سرمایه‌گذاری در این کشورها منجر می‌شوند. بنابراین، حذف کنترل‌های سرمایه‌ای باعث خواهد شد که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ساختار دارایی خود را متنوع کنند. چنین فعالیتی، باعث افزایش فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تخصیص مجدد سرمایه می‌شود، از این رو، آزادسازی مالی با بهبود تخصیص منابع، از طریق تقسیم ریسک درآمدی، موجب افزایش هرچه بیشتر رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی به‌زای نهاده‌های تولیدی می‌شود و بهره‌وری کل عوامل تولید افزایش می‌یابد (عبداللهی، ۲۰۱۳). در واقع، به‌واسطه جریان‌های سرمایه ناشی از آزادسازی مالی، غیر از اینکه فرایند تولید و رشد

اقتصادی تسهیل می‌شود، بهره‌وری نهاده‌های سرمایه و نیروی کار نیز افزایش می‌یابد، زیرا بعد از انتقال سرمایه، به‌مرور، فناوری و سرریزهای دانش نیز به کشور میزبان منتقل می‌شود و آزادسازی مالی می‌تواند یک اثر سرریز بر کشور میزبان داشته باشد. البته ناگفته نماند که چنین روندی فقط زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که از جریان‌های سرمایه ناشی از آزادسازی مالی، ظرفیت‌های جذب و بهره‌برداری مناسبی وجود داشته باشد (رحمانی و معتمدی، ۱۳۹۷).

• نقش توسعه مالی در بهره‌وری کل عوامل تولید

توسعه مالی از دو طریق اثر سطح^۱ و اثر کارایی^۲ باعث افزایش در سرمایه‌گذاری شده و موجب تولید و رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. با توجه به اینکه بهره‌وری کل عوامل تولید از نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد نیروی شاغل و موجودی سرمایه حاصل می‌شود، با افزایش تولید ناخالص داخلی که بیانگر رشد اقتصادی است، نسبت مربوط به بهره‌وری کل عوامل تولید نیز افزایش می‌یابد. اثر سطح نشان می‌دهد که با توسعه بخش‌های مالی، منابع از پروژه‌های ناکارآمد به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد جابه‌جا می‌شوند. اثر کارایی نیز نشان می‌دهد که با توسعه بازار مالی، تنوع و نقدینگی مالی افزایش می‌یابد و منابع به سوی پروژه‌های با بازدهی بالا حرکت می‌کنند (زیدی و آبی‌دا، ۲۰۱۴). بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان اذعان داشت که نهادها و بازارهای مالی توسعه‌یافته سبب افزایش رشد و بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق افزایش سرمایه و کاهش ریسک و انتقال سرمایه از پس‌اندازکنندگان به پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌شوند. به بیان دیگر، توسعه مالی، با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، اولاً سرمایه‌های راکد و شاید مخرب اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل می‌کند، ثانیاً سایر عوامل تولید را که به‌علت نبود سرمایه، بیکار هستند یا با بهره‌وری پایینی مشغول به کار هستند، به سمت اشتغال کامل با بهره‌وری بالا هدایت می‌کند. از این رو، مشخص است که این عوامل باعث افزایش تولید ناخالص داخلی به‌ازای نهاده‌های تولیدی شده یا بهره‌وری کل عوامل تولید را افزایش می‌دهد (صیف‌اللهی و حاضری، ۱۳۹۶).

جدا از تأثیرات مثبت، از نظر جوده^۴ (۲۰۱۰)، دو محدودیت شایان توجه می‌تواند مانع از تأثیرگذاری مثبت اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید شود:

۱. وجود رابطه غیرخطی، به دلایلی همچون تعادل‌های چندین‌گانه، بسیار محتمل است. با تغییر سیاست‌های اقتصادی کشورها یا بروز بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی، امکان تغییر رفتار متغیرهای اقتصادی بسیار زیاد است. بنابراین، محتمل به نظر می‌آید که رابطه میان شاخص‌های اصلاحات مالی و بهره‌وری، از یک الگوی غیرخطی تبعیت کند که مستلزم بررسی موشکافانه است.

۲. طی زمان، به دلایل سطوح مختلف شاخص‌های مالی، انتظار می‌رود که نحوه تأثیرپذیری شاخص‌های بهره‌وری با یکدیگر متفاوت باشد. بنابراین، منطقی به نظر نمی‌آید که روند تأثیرگذاری شاخص‌های مالی طی دوره‌های زمانی به‌نسبت طولانی، یکسان و مشابه باشد. زیرا کشورها طی سری‌های زمانی مختلف، می‌توانند از ساختارهای تولیدی،

مالی و اقتصادی مختلف برخوردار شوند. از این رو، واضح است که وجود آستانه‌های مالی می‌تواند روندهای مختلفی از شاخص‌های بهره‌وری را به همراه داشته باشد، به طوری که در سیستم‌های مالی کامل، در مقایسه با سیستم‌های مالی ناقص، این تأثیرات بسیار چشمگیرتر هستند (اثرهای مثبت در سیستم‌های مالی کامل و اثرهای منفی در سیستم‌های مالی ناقص) (جوده، ۲۰۱۰ و جیانگ و ژانگ^۱، ۲۰۱۷).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین اذعان داشت که در کشورهای با درجات بالاتر مالی (نظام مالی آزادتر و توسعه یافته‌تر)، اصلاحات مالی می‌توانند زمینه‌های رشد و توسعه هرچه بیشتر بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم کنند، تولید ناخالص داخلی به‌زای نهاده‌های تولیدی را افزایش دهند و زمینه‌ساز ارتقای بیشتر بهره‌وری کل عوامل تولید شوند. اما از آنجا که در برخی جوامع در حال توسعه، نظام‌های مالی به سطح ایدئال نرسیده‌اند و شاهد تنزل (روند نزولی) شاخص‌های مالی (از جمله سرکوب مالی و سطوح پایین توسعه مالی)، هستیم، در این جوامع، تا طی یک دوره زمانی خاص و عبور از مرحله سرکوب، می‌توانیم شاهد رابطه منفی بین اصلاحات مالی و بهره‌وری کل عوامل تولید نیز باشیم (عبداللهی، ۲۰۱۳). خلاصه پژوهش‌های صورت‌گرفته در جدول ۱ ارائه می‌شوند.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های انجام‌شده

نویسنده (سال)	عنوان	شرح
کاستلنوو، چیارا و مسیمو ^۲ (۲۰۱۹)	کیفیت نهادی و بهره‌وری شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی: شواهد بین‌المللی از شرکت‌های بزرگ مخابراتی	به بررسی تأثیر مؤلفه‌های نهادی - حکمرانی بر بهره‌وری کل شرکت‌های بزرگ مخابراتی در ۳۴۸ شرکت فعال مخابراتی مربوط به ۹۰ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ پرداختند. برای بررسی روابط بالا نیز از روش داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی استفاده شد و همان‌طور که از نتایج رگرسیونی پیداست، مؤلفه‌های بیان‌شده، بر بهره‌وری کل شرکت‌های نام‌برده تأثیر مثبتی داشته‌اند.
سمرقندی ^۳ (۲۰۱۸)	عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منا	به بررسی تأثیر توسعه مالی، بر بهره‌وری نیروی کار پرداخت. این پژوهش، برای کشورهای منا طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ با بهره‌گیری از روش هم‌انباشتگی پانلی با رویکرد حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح‌شده انجام شد. نتایج رگرسیونی گویای این است که توسعه مالی، بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای نام‌برده تأثیر مثبتی داشته است.
اونوجا ^۴ (۲۰۱۷)	توسعه بخش‌های مالی و بهره‌وری کشاورزی	به بررسی تأثیر توسعه بخش‌های مالی بر بهره‌وری کل در بخش کشاورزی در ۷۵ کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش داده‌های پانلی با رویکرد حداقل مربعات معمولی پرداخت. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد، در حالی که اثر توسعه بخش مالی بر بهره‌وری بخش کشاورزی مثبت است، اما مقدار این اثر به‌لحاظ آماری، ناچیز است.

1. Jiang & Zhang
3. Samargandi

2. Castelnovo, Chiara & Massimo
4. Onoja

ادامه جدول ۱

شرح	عنوان	نویسنده (سال)
به بررسی رابطه مؤلفه‌های نهادی - حکمرانی و بهره‌وری کل عوامل تولید در اتحادیه اروپا طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل با روش پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی گویای رابطه مثبتی طی دوره زمانی بررسی شده است.	عوامل نهادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در اتحادیه اروپا	بالسرزاک و پیترزاک ^۱ (۲۰۱۶)
به بررسی تاثیر آزادسازی مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در کشور ترکیه طی دوره زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۱ پرداخت. برای نیل به این مقصود از روش اقتصادسنجی با رویکرد حداقل مربعات معمولی بهره گرفته شد و در نهایت، نتایج رگرسیونی، رابطه مثبتی را بین آزادسازی مالی و بهره‌وری کل عوامل تولید نشان داد.	آزادسازی مالی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ترکیه	سرداروغلو ^۲ (۲۰۱۵)
به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر بهره‌وری بخش کشاورزی برای ۲۴ کشور منتخب عضو اتحادیه اروپا طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ پرداختند. برای بررسی روابط بالا نیز از روش‌های تحلیل پوششی داده‌ها و پانل توییت استفاده شده است. بر اساس نتایج رگرسیونی، شاهد روابط مثبتی بین شاخص‌های حکمرانی خوب و بهره‌وری بخش کشاورزی هستیم.	حکمرانی خوب و بهره‌وری بخش کشاورزی	بایورت، ویلدان سرین و ابان آریکان ^۳ (۲۰۱۵)
به بررسی تأثیر عوامل نهادی مربوط به حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید پرداختند. این پژوهش، برای کشورهای منتخب جهان طی بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ با استفاده از روش پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی صورت گرفت. بر اساس نتایج، شاهد رابطه مثبتی در طی دوره زمانی بررسی شده هستیم.	بهره‌وری تولید: تأثیر نهادها و نوآوری‌های بخش خدمات.	فوستر و همکاران (۲۰۱۲)
در پژوهشی به بررسی تأثیر اصلاحات نهادی در قالب مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل بنادر پرداختند. این پژوهش، برای ۸۹ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ با استفاده از روش پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی انجام شد. بر اساس نتایج تخمینی، شاهد رابطه مثبتی طی بازه زمانی بررسی شده هستیم.	ارزیابی تأثیرات اصلاحات نهادی بر تغییرات بهره‌وری بندر: مالکیت، ساختار شرکت و تغییرات بهره‌وری کل عوامل تولید بنادر کانتینر جهانی	چئونا، دووالب و سونگس ^۴ (۲۰۱۰)
با به‌کارگیری مدل تعدیل جزئی برای لحاظ درون‌زایی بهره‌وری نیروی کار، اثر مستقیم توسعه مالی بر بهره‌وری نیروی کار، با استفاده از روش پانل پویا مبتنی بر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ تحلیل شد. نتایج تجربی پژوهش حاضر نشان داد که اعتبارات داخلی اعطایی به بخش خصوصی به‌عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی به‌طور مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر دارد.	اثر توسعه مالی بر بهره‌وری نیروی کار: کاربردی از هم‌جمعی در داده‌های پانل پویا	صیف‌اللهی و حاضری (۱۳۹۶)

1. Balcerzak & Pietrzak
3. Bayyurt, Vildan Serin, & Eban Arıkan

2. Serdaroglu
4. Cheona, Dowallb & Songc

ادامه جدول ۱

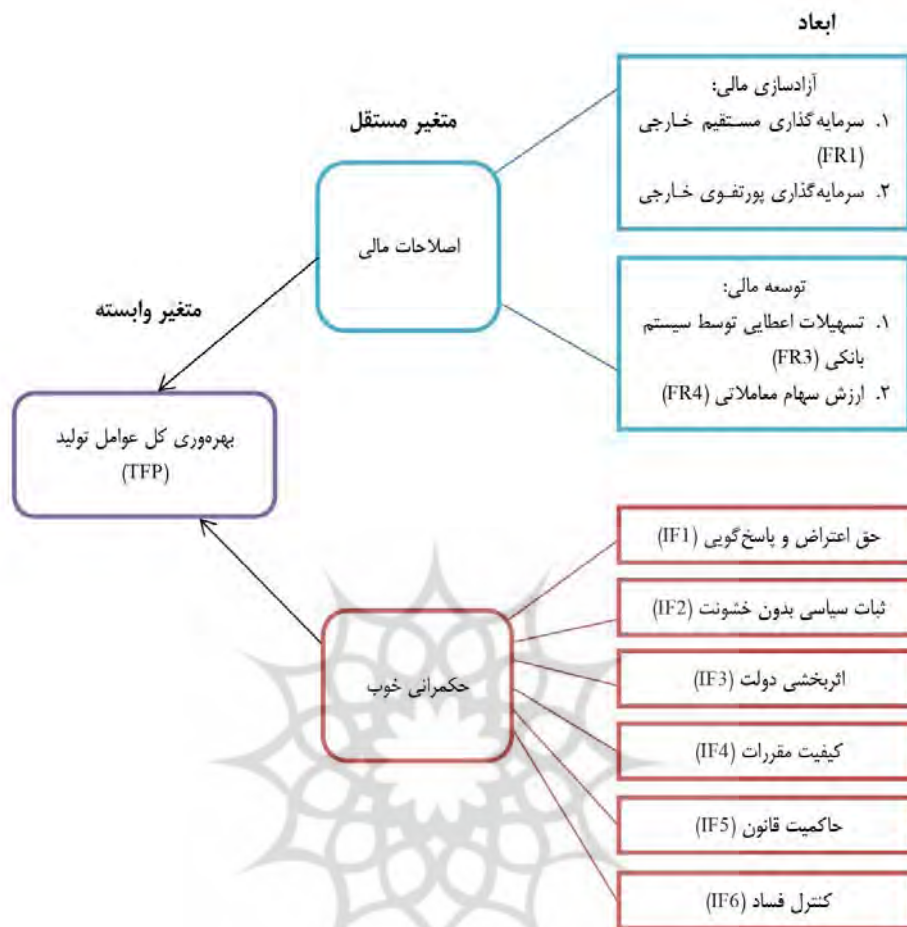
شرح	عنوان	نویسنده (سال)
به بررسی تأثیر آزادسازی سرمایه بر بهره‌وری نیروی کار پرداخت. این پژوهش، برای انتخابی از کشورهای جهان با روش داده‌های پانلی با رویکرد هم‌انباشتگی انجام شد. در نهایت بر اساس نتایج رگرسیونی، شاهد رابطه مثبتی در کشورهای نام‌برده هستیم.	تأثیر آزادسازی حساب سرمایه بر بهره‌وری نیروی کار	برخورداری (۱۳۹۵)
به بررسی تأثیر شاخص ترکیبی حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید پرداخت. برای نیل به این منظور، از روش اقتصادسنجی پانل پویا با رهیافت گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شد و ۲۴ کشور منتخب در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهند که شاخص‌های عوامل نهادی بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارند.	بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب در حال توسعه	تقفی (۱۳۹۴)
به تحلیل اثرهای عوامل نهادی مربوط به حکمرانی خوب بر رشد بهره‌وری کل عوامل در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ با استفاده از مدل فضا حالت پرداختند. نتایج رگرسیونی نشان دادند که برخی کمیت‌های واردشده در مدل مانند نهادهای حاکمیتی (ثبات سیاسی و پاسخ‌گویی) و میزان دخالت دولت در کنار ملاک‌های نهادی قدیمی‌تر، مثل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، بر بهره‌وری کل عوامل تولید اثر مثبتی داشته‌اند.	تحلیل اثرهای عوامل نهادی بر رشد بهره‌وری کل عوامل در اقتصاد ایران با استفاده از مدل فضا حالت	رضائی (۱۳۹۱)

با استناد بر پیشینه نظری و تجربی نیز، فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر ارائه می‌شوند:

۱. حکمرانی خوب، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۱. حق اعتراض و پاسخ‌گویی، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۲. ثبات سیاسی بدون خشونت، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۳. اثربخشی دولت، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۴. کیفیت مقررات، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۵. حاکمیت قانون، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۱-۶. کنترل فساد، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
۲. اصلاحات مالی، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۲-۱. آزادسازی مالی، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.
 - ۲-۲. توسعه مالی، بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران تأثیر دارد.

مدل مفهومی

مدل بررسی شده، با استناد بر مبانی نظری و پژوهش‌های تجربی، به‌ویژه مقالات سمرقندی (۲۰۱۸)، سرداراولو (۲۰۱۵) و کاستلنو و همکاران (۲۰۱۹)، به شرح زیر معرفی می‌شود:



شکل ۱. مدل مفهومی

TFP: بیانگر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن است که از نسبت مقدار ارزش افزوده (ارزش ستانده) به‌عنوان ستانده، بر سهم ترکیب نهاده‌های تولیدی (تعداد شاغلان و موجودی سرمایه) در بخش صنعت و معدن حاصل شده است.

شاخص‌های حکمرانی خوب عبارت‌اند از:

- IF1:** بیانگر حق اعتراض و پاسخ‌گویی است که مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را در بر می‌گیرد.
- IF2:** بیانگر ثبات سیاسی بدون خشونت است که از مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می‌شود.
- IF3:** بیانگر اثربخشی دولت است که به‌طور عمده بیانگر توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران است.

IF۴: بیانگر کیفیت مقررات است که مفاهیمی چون مقررات دست‌وپاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها را در بر می‌گیرد.

IF۵: بیانگر حاکمیت قانون است که اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت، از جمله مؤلفه‌های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند.

IF۶: بیانگر کنترل فساد است که از مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثر بخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می‌شود.

شاخص‌های اصلاحات مالی نیز عبارت‌اند از:

آزادسازی مالی: آزادسازی مالی در قالب دو جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FR۱) و سرمایه‌گذاری پورتفوی خارجی (FR۲) در مدل وارد می‌شود.

توسعه مالی: توسعه مالی در قالب تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی (FR۳) و ارزش سهام معاملاتی (FR۴) در مدل وارد می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله، به بررسی تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ پرداخته می‌شود. برای برآورد اثرهای متغیرها نیز، از روش الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده می‌شود. از جمله ویژگی‌های این روش، می‌توان به موارد اشاره کرد:

۱. در پژوهش‌های اقتصادسنجی هرگاه مجموعه‌ای از متغیرهای مد نظر بر اساس آزمون‌های ریشه واحد، رفتار دوگانه‌ای داشته باشند، به این صورت که برخی از آنها در سطح مانا باشند و برخی دیگر از متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری مانا شوند، استفاده از آزمون‌های هم‌انباشتگی معمول از جمله انگل - گرانجر برای بررسی وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها دیگر کارساز نخواهد بود. در این قبیل موارد استفاده از روش ARDL پیشنهاد می‌شود.

۲. از مزایای دیگر الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده این است که پویایی کوتاه‌مدت را نیز در خود لحاظ کرده و باعث می‌شود تا ضرایب الگو با دقت بیشتری برآورد شوند. زیرا روش ARDL، امکان محاسبه روابط پویای کوتاه‌مدت، بلندمدت و نحوه تعدیل از کوتاه‌مدت به بلندمدت را فراهم آورده و به تقسیم متغیرها از درجه صفر و ۱ نیازی نیست که جزء مزیت‌های مهم روش ARDL است.

۳. این الگو به درجه هم‌انباشتگی متغیرها حساس نبوده و بدون در نظر گرفتن اینکه متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ هستند، به کار برده می‌شود. به بیان دیگر، با انتخاب وقفه مناسب در مدل، می‌توان ارتباط کوتاه‌مدت، بلندمدت و همچنین، نحوه تعدیل از کوتاه‌مدت به بلندمدت را به کمک الگوی تصحیح خطا بررسی کرد (تشکینی، ۱۳۹۷). اطلاعات مربوط به بهره‌وری از سازمان ملی بهره‌وری ایران و اطلاعات مربوط حکمرانی خوب از بانک جهانی

گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به اصلاحات مالی نیز از بانک جهانی و بانک مرکزی استخراج شده‌اند. به طوری که اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارزش سهام معاملاتی از بانک جهانی، اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری پورتنوی خارجی از بانک جهانی و بانک مرکزی و اطلاعات مربوط به تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی از بانک مرکزی گردآوری شده‌اند. از آنجا که اطلاعات مربوط به حکمرانی خوب طی بازه‌های زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ در دسترس بود، مدل طی دوره زمانی ۲۳ سال (۱۳۹۷ تا ۱۳۷۵) برآزش و ارزیابی شد. کلیه تحلیل‌ها نیز در نرم‌افزار Eviews11 صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

آزمون مانایی

برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون فیلیپس - پرون^۱ استفاده شده که خلاصه نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیرهای تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی و ارزش سهام معاملاتی دارای ریشه واحد بوده و با یک بار تفاضل‌گیری به حالت مانا در می‌آیند، بنابراین، انباشته از درجه یک است (I(۱)). اما متغیرهای بهره‌وری کل عوامل تولید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری پورتنوی خارجی، حق اعتراض و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد در سطح مانا هستند (I(۰))، بنابراین شرط استفاده از روش ARDL مهیا می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی

متغیر	(در سطح)	(با یک بار تفاضل‌گیری)
TFP	۰/۰۰۱۹ (-۳/۴۹۷۶)	-
FR۱	۰/۰۰۰۰ (-۴/۳۴۷۱)	-
FR۲	۰/۰۰۲۳ (-۲/۱۲۷۹)	-
FR۳	۰/۶۶۸۱ (۰/۱۵۶۹)	۰/۰۰۰۷ (-۲/۲۳۸۱)
FR۴	۰/۹۸۳۶ (۱/۶۷۲۹)	۰/۰۰۰۹ (-۳/۳۷۱۴)
IF۱	۰/۰۰۰۱ (-۵/۰۳۱۲)	-
IF۲	۰/۰۰۰۹ (-۴/۲۳۷۴)	-
IF۳	۰/۰۰۰۰ (-۵/۷۱۸۴)	-
IF۴	۰/۰۰۰۰ (-۵/۲۳۶۵)	-
IF۵	۰/۰۰۰۱ (-۳/۲۸۷۲)	-
IF۶	۰/۰۰۰۳ (-۴/۳۳۰۸)	-

1. Philips-Perron

بر آورد مدل

بر اساس نتایج جدول ۳، در سطح معناداری یک درصد، بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره گذشته، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره جاری دارد. در ارتباط با شاخص‌های اصلاحات مالی، متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری پورتفوی خارجی، تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی و ارزش سهام معاملاتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارند و به ترتیب در سطوح ۱ درصد، ۱ درصد، ۱ درصد و ۵ درصد معنادار هستند (تأیید فرضیه‌های ۱-۲ و ۲-۲). در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی خوب نیز، تأثیر متغیرهای اثربخشی دولت و کیفیت مقررات بر بهره‌وری کل عوامل تولید مثبت و تأثیر متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد منفی است که به ترتیب در سطوح ۱ درصد، ۱ درصد، ۵ درصد، ۱ درصد و ۵ درصد معنادار هستند (تأیید فرضیه‌های ۱-۱، ۱-۳، ۱-۴، ۱-۵ و ۱-۶). ثبات سیاسی بدون خشونت نیز تأثیری بر بهره‌وری کل عوامل تولید ندارد (رد فرضیه ۱-۲). بر اساس میزان آماره دوربین واتسون (DW) در مدل مربوطه، مشکل خودهم‌بستگی وجود ندارد. بر اساس مقادیر ضرایب تعیین (R^2 و R^2 تعدیل شده) نیز می‌توان اذعان داشت که شاخص‌های حکمرانی خوب و اصلاحات مالی، معادل ۰/۹۹ و ۰/۹۸ توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته بهره‌وری کل عوامل تولید را توجیه کنند. حال برای تصدیق وجود رابطه بلندمدت، از آزمون هم‌گرایی باند^۱ استفاده می‌شود که خلاصه نتایج این آزمون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از تخمین کوتاه‌مدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
TFP(-۱)	۰/۶۰۸۴	۰/۰۶۲۹	۹/۶۶۱۲	۰/۰۰۰۰
FR۱	۰/۲۳۵۴	۰/۰۵۲۹	۴/۴۴۲۳	۰/۰۰۱۰
FR۲	۰/۰۵۲۴	۰/۰۱۲۷	۴/۱۱۸۵	۰/۰۰۱۷
FR۳	۰/۴۷۰۸	۰/۱۳۰۲	۳/۶۱۵۲	۰/۰۰۴۱
FR۴	۰/۰۶۳۶	۰/۰۲۹۵	۲/۱۵۵۲	۰/۰۴۴۱
IF۱	-۰/۳۸۰۷	۰/۱۵۶۴	-۲/۴۳۴۳	۰/۰۳۳۲
IF۲	-۰/۰۵۴۳	۰/۳۰۸۰	-۰/۱۷۶۲	۰/۸۶۳۳
IF۳	۰/۴۵۰۲	۰/۰۸۵۲	۵/۲۸۲۲	۰/۰۰۰۳
IF۴	۰/۰۹۴۶	۰/۰۲۸۲	۳/۳۵۱۹	۰/۰۰۶۵
IF۵	-۱/۴۷۰۸	۰/۲۳۵۳	-۶/۲۴۹۷	۰/۰۰۰۱
IF۶	-۰/۲۶۶۱	۰/۰۸۹۲	-۲/۹۸۲۲	۰/۰۱۲۵
$R^2=۰/۹۹۳۹$		$R^2=۰/۹۸۸۳$ تعدیل شده		DW=۲/۱۱۳۰

جدول ۴. نتایج آزمون باند

۸/۵۳۸۶								مقدار آماره F
۱۰٪		۵٪		۲/۵٪		۱٪		سطح معناداری
I(۱)	I(۰)	I(۱)	I(۰)	I(۱)	I(۰)	I(۱)	I(۰)	حد بالا و پایین
۳/۶	۲/۲۶	۳/۲۷	۲/۰۲	۲/۹۹	۱/۸۲	۲/۷۲	۱/۶	مقادیر

از آنجا که، مقدار آماره F محاسباتی برابر با ۸/۵۳۸۶ است و بیشتر از مقدار بحرانی حد بالایی در سطوح معناداری ۱ درصد، ۲/۵ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد است، از این رو، رابطه تعادلی بلندمدتی بین شاخص‌های حکمرانی خوب و اصلاحات مالی با بهره‌وری کل عوامل تولید وجود دارد. در ادامه، رابطه بلندمدت تخمین زده شده و نتایج حاصل از تخمین بلندمدت در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از تخمین بلندمدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
FR۱	-۰/۶۰۱۱	-۰/۱۳۴۲	۴/۴۷۹۴	۰/۰۰۰۹
FR۲	-۰/۱۳۳۸	-۰/۰۳۳۸	۳/۹۵۲۹	۰/۰۰۲۳
FR۳	۱/۲۰۲۴	-۰/۳۱۷۰	۳/۷۹۲۸	۰/۰۰۳۰
FR۴	-۰/۱۶۲۶	-۰/۰۷۴۳	۲/۱۸۸۷	۰/۰۴۱۱
IF۱	-۰/۹۷۲۴	-۰/۴۳۱۴	۲/۲۵۳۷	۰/۰۴۵۶
IF۲	-۰/۱۳۸۶	-۰/۷۷۵۲	-۰/۱۷۸۸	۰/۸۶۱۳
IF۳	۱/۱۴۹۹	-۰/۲۹۶۸	۳/۸۷۳۹	۰/۰۰۲۶
IF۴	-۰/۲۴۱۶	-۰/۰۷۸۴	۳/۰۷۹۶	۰/۰۱۰۵
IF۵	۳/۷۵۶۳	-۰/۴۹۷۲	۷/۵۵۳۹	۰/۰۰۰۰
IF۶	-۰/۶۷۹۷	-۰/۲۷۵۹	-۲/۴۶۳۰	۰/۰۳۱۵

بر اساس نتایج جدول ۵، در ارتباط با شاخص‌های اصلاحات مالی، متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری پورتفوی خارجی، تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی و ارزش سهام معاملاتی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارند و به ترتیب در سطوح ۱ درصد، ۱ درصد، ۱ درصد و ۵ درصد معنادار هستند (تأیید فرضیه‌های ۱-۲ و ۲-۲). در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی خوب نیز، تأثیر متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و حاکمیت قانون بر بهره‌وری کل عوامل تولید مثبت و تأثیر متغیر کنترل فساد منفی است که به ترتیب در سطوح ۵ درصد، ۱ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد معنادار هستند (تأیید فرضیه‌های ۱-۱، ۱-۳، ۱-۴، ۱-۵ و ۱-۶). ثبات سیاسی بدون خشونت نیز تأثیری بر بهره‌وری کل عوامل تولید ندارد (رد فرضیه ۱-۲). در جدول ۶ نیز نتایج برآورد الگوی تصحیح خطای مدل که نشان‌دهنده رابطه تعادلی است، ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
ECM(-۱)	-۰/۳۹۱۵	۰/۰۱۷۹	-۲۱/۷۵۵۷	۰/۰۰۰۰

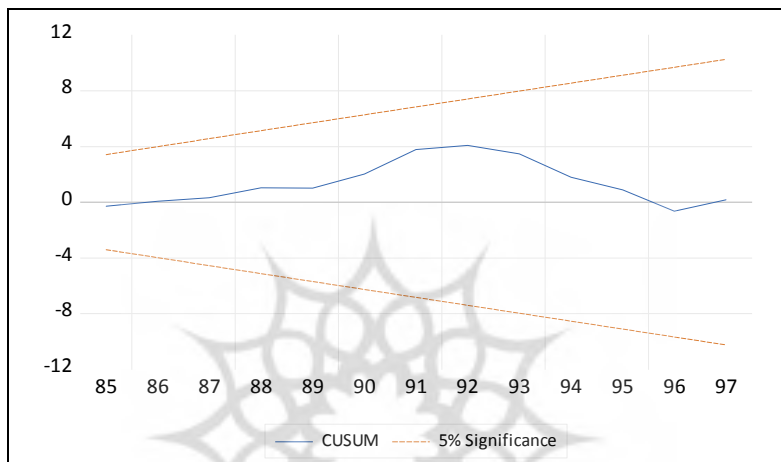
ضریب ECM^۱، سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که از نظر علامتی منفی باشد. در واقع، این ضریب نشان می‌دهد که در هر دوره چند درصد از نبود تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود. بر اساس نتایج جدول ۶، ضریب تصحیح خطای مدل کوچک‌تر از ۱ و از نظر آماری معنادار است. ضریب تصحیح خطای مدل برابر ۰/۳۹- است که نشان می‌دهد، در هر سال ۰/۳۹ درصد از نبود تعادل یک دوره در بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره بعد تعدیل می‌شود.

حال برای ارزیابی مدل برآوردشده به انجام آزمون‌های نبود هم‌بستگی سریالی میان جملات خطا، آزمون نبود ناهم‌سانی واریانس، آزمون نرمالیت، خطای تصریح و ثبات ساختاری می‌پردازیم. برای اطمینان از صحت وجود یا نبود خودهم‌بستگی از آزمون بروش پاگان استفاده می‌کنیم. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر نبود خودهم‌بستگی است و فرضیه مقابل نیز وجود خودهم‌بستگی را بیان می‌کند. بر اساس نتایج جدول ۷، فرضیه H_۰ پذیرفته می‌شود، از این رو، در مدل مشکل خودهم‌بستگی وجود ندارد. برای بررسی وجود یا نبود ناهم‌سانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون، مبنی بر نبود ناهم‌سانی واریانس و فرضیه مقابل نیز مبنی بر وجود ناهم‌سانی واریانس است که با توجه به نتایج جدول، فرضیه H_۰ پذیرفته می‌شود، از این رو، در مدل، مشکل ناهم‌سانی واریانس وجود ندارد. برای نرمال بودن پسماندهای مدل، از آزمون جاگ‌برا استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن باقی‌مانده‌ها است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر نرمال نبودن پسماندهاست که با توجه به نتایج جدول بالا، فرضیه H_۰ پذیرفته می‌شود، بنابراین، توزیع نرمال باقی‌مانده‌های مدل، نرمال استاندارد است. برای بررسی شکل تبعی مدل (تصریح مدل)، از آزمون رمزی استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر درست بودن تصریح مدل و فرضیه مقابل نیز مبنی بر درست نبودن تصریح مدل است. فرضیه H_۰ پذیرفته می‌شود، بنابراین، مدل درست شده است.

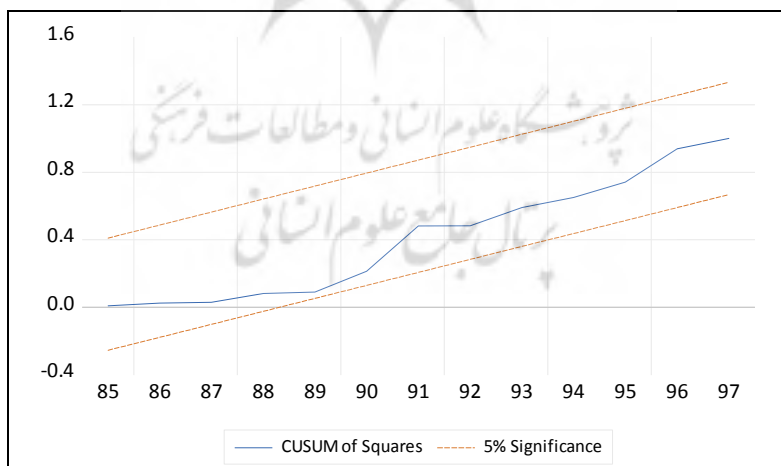
جدول ۷. نتایج آزمون‌های تشخیصی

نتایج آزمون خودهم‌بستگی		نتایج آزمون نرمال بودن پسماندها	
آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال
۰/۹۶۱۴	۰/۱۲۶۱	۰/۹۹۷۵	۰/۱۳۵۳
نتایج آزمون ناهم‌سانی واریانس		نتایج آزمون تصریح مدل	
آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال
۰/۹۷۳۶	۰/۱۱۴۹	۰/۹۹۲۳	۰/۱۲۷۱

به منظور اطمینان از پایدار بودن ضرایب رگرسیون برآوردشده و درستی نتایج به دست آمده، آزمون‌های پایداری CUSUM و CUSUMSQ برای مدل ARDL برآوردشده صورت گرفته است. در این آزمون‌ها مقادیر آماره برآوردشده در بین دو مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد رسم می‌شود و در صورتی که از این دو کرانه خارج نشود، نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر پایدار بودن رگرسیون برآوردشده را رد کرد. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نمودار شکل‌های ۲ و ۳ نشان داده شده است.



شکل ۲. منحنی حاصل جمع انباشته پسماندها



شکل ۳. منحنی حاصل جمع انباشته مربعات پسماندها

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ بود و برای نیل به این منظور از روش الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های

گسترده استفاده شد. بر اساس نتایج رگرسیونی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر تمامی شاخص‌های اصلاحات مالی بر بهره‌وری کل عوامل تولید مثبت بود که کاملاً با پیشینه نظری منطبق است. زیرا اصلاحات مالی، جریان‌های مالی را تسهیل می‌کنند و کارایی بازارهای مالی را افزایش می‌دهند که در این حالت میانگین ریسک طرح‌های صنعتی و معدنی کاهش یافته و برای انتقال هرچه بیشتر سرمایه به بخش صنعت و معدن، بستری مناسب فراهم می‌شود. بنابراین، تأمین مالی پروژه‌های صنعتی و معدنی نیز با سرعت بالایی صورت می‌گیرد و موانع مالی پیش روی این بخش از میان برداشته می‌شود. از این رو، واضح است که در چنین وضعیتی، تولیدات بخش صنعت و معدن به‌زای نهاده‌های تولیدی نیز افزایش می‌یابند که افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را به‌همراه خواهد داشت (سانکوه، ۲۰۱۷). در زمینه شاخص‌های حکمرانی خوب نیز، در ارتباط با متغیرهای اثربخشی دولت و کیفیت مقررات، شاهد رابطه مثبت و در ارتباط با متغیر کنترل فساد، شاهد رابطه منفی بودیم. تأثیر متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون نیز در کوتاه‌مدت منفی و در بلندمدت مثبت بود. ثبات سیاسی بدون خشونت نیز بر بهره‌وری کل عوامل تولید بی‌تأثیر بود. تمامی این امور کاملاً با پیشینه نظری منطبق هستند. در توجیه رابطه مثبت، گفته می‌شود که قواعد نهادی مربوط به حکمرانی خوب به‌واسطه کاهش ریسک و نااطمینانی، مخارج سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری را در این بخش را افزایش می‌دهند که می‌تواند اثربخشی و افزایش بازدهی نهاده‌های تولیدی و افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را در بخش صنعت و معدن به‌همراه داشته باشد (فوستر و همکاران، ۲۰۱۲). چنانچه به‌لحاظ شاخص‌های حکمرانی شاهد وضعیت مناسبی نباشیم یا این شاخص‌ها به مرحله ایدئال نرسیده باشند (بر اساس گزارش بانک جهانی، به‌سمت عدد ۲/۵- متمایل شوند)، می‌توان شاهد رابطه منفی و حتی نبود رابطه نیز بود، زیرا این وضعیت منعکس‌کننده حکمرانی ضعیف است و در چنین حالتی، حکمرانی ضعیف نمی‌تواند محرک مناسبی برای فضای کسب‌وکار در راستای ارتقای بهره‌وری باشد که آمارهای ارائه‌شده از سوی بانک جهانی، منعکس‌کننده وضعیت نامساعد نهادهای کشور یا معرف حکمرانی ضعیف هستند (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش‌های سمرقندی (۲۰۱۸)، اونوجا (۲۰۱۷)، سرداراولو (۲۰۱۵)، صیف‌اللهی و حاضری (۱۳۹۶) و برخوردار (۱۳۹۵)، هم‌خوانی داشت، زیرا در این پژوهش‌ها، شاهد رابطه مثبت بین شاخص‌های اصلاحات مالی و بهره‌وری بودیم. ولی در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی خوب، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کاستلنو و همکاران (۲۰۱۹)، بالسرزاک و پیتزاک (۲۰۱۶)، بایورت و همکاران (۲۰۱۵)، فوستر و همکاران (۲۰۱۲)، چئونا و همکاران (۲۰۱۰)، ثقفی (۱۳۹۴) و رضائی (۱۳۹۱)، تا حدی هم‌خوانی داشت. زیرا در این پژوهش‌ها، شاهد رابطه مثبت بین شاخص‌های حکمرانی خوب و بهره‌وری بودیم، در حالی که در پژوهش حاضر، اثربخشی دولت و کیفیت مقررات دارای تأثیر مثبت و کنترل فساد دارای تأثیر منفی بر بهره‌وری بودند و ثبات سیاسی بدون خشونت بر بهره‌وری بی‌تأثیر بود. از طرفی نیز، تأثیر متغیرهای حق اعتراض و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون نیز در کوتاه‌مدت، منفی و در بلندمدت، مثبت بود. حال با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده، پیشنهادهای سیاستی نیز به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

۱. با توجه به رابطه شاخص‌های اصلاحات مالی و بهره‌وری، ضروری به نظر می‌رسد که در راستای ارتقای

بهره‌وری بخش صنعت و معدن، زمینه‌های تقویت بیشتر و گسترش شاخص‌های اصلاحات مالی (آزادسازی مالی و توسعه مالی) فراهم شوند. زیرا بخش مالی کشور به دلیل مشکلات ساختاری و نظارتی، هنوز به مرحله آزادسازی و توسعه‌یافتگی کامل نرسیده است و از طرفی نیز پروژه‌های صنعتی و معدنی، پروژه‌های با ریسک و هزینه بالایی هستند و عمده تأمین‌کننده مخارج این بخش، بانک‌ها هستند تا بازار سرمایه. از این رو، مشخص است که تسهیلات بانکی نیز نمی‌توانند به‌تنهایی پاسخ‌گوی چنین مخارجی باشند، بنابراین، در کنار ارائه تسهیلات بیشتر به بخش صنعت و معدن، رونق هرچه بیشتر بازار بورس از طریق بیان منافع سرمایه‌گذاری در این بازار، می‌تواند به‌عنوان مکملی مالی برای بانک‌ها در راستای تأمین مخارج بخش صنعت و معدن باشد. از طرفی نیز، اعطای تسهیلات بر اساس الویت‌بندی طرح‌های صنعتی و معدنی، می‌تواند تزریق مناسب نقدینگی را به این بخش همراه داشته باشد. از سویی نیز چون طرح‌های صنعتی و معدنی، به‌ویژه طرح‌های معدنی، دوره بازگشت طولانی‌تر سرمایه را به‌همراه دارند، بخش خصوصی رغبت چندانی برای وارد شدن به بخش معدن ندارد، بنابراین، دولت می‌تواند از طریق فراهم کردن بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌ویژه در قالب همکاری‌های مشترک با کشورهای موفق در زمینه معدن، علاوه بر افزایش سرمایه‌فیزیکی، از طریق انتقال فناوری‌های نوین باعث افزایش هرچه بیشتر بهره‌وری بخش صنعت و معدن شود.

۲. با توجه به رابطه شاخص‌های حکمرانی خوب و بهره‌وری، شاخص‌های حکمرانی به اصلاح و تقویت نیاز دارند، زیرا بخش صنعت و معدن به‌ویژه بخش معدن، به‌لحاظ زیرساخت‌های نهادی - حکمرانی، با مشکل اساسی مواجه است، همان‌طور که در ضرایب منفی و نبود رابطه نیز کاملاً مشهود است و روند منفی اعلام‌شده از سوی بانک جهانی که مبین عملکرد ضعیف شاخص‌های حکمرانی خوب است نیز گواه دیگری بر آن است. در واقع، عمده فعالیت معدن‌کاری در ایران به‌صورت دولتی است و لزوم تفکیک وظایف حاکمیتی در این بخش احساس می‌شود. به‌طوری‌که، حذف نقش تصدیگری دولت در این بخش و محدود کردن وظایف دولت به ایفای وظایف حاکمیتی با هدف حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع معدنی کشور در راستای رشد اقتصادی مولد و پایدار، می‌تواند با افزایش کارایی دولت و تقویت حقوق مالکیت، نقش شایان توجهی در ارتقای بهره‌وری این بخش ایفا کند. از این رو، بهتر است دولت با اصلاح نهادها، فعالیت‌های اقتصادی را به عوامل اقتصادی این بخش بسپارد و به‌طور غیرمستقیم و هوشمندانه، عملکرد بخش صنعت و معدن را مدیریت کند.

در ارتباط با پژوهش‌های آتی نیز، پژوهش در زمینه‌های زیر می‌تواند مفید واقع شود:

۱. بررسی تأثیرات حکمرانی خوب و اصلاحات مالی بر بهره‌وری در بخش نفت، گاز و پتروشیمی ایران.
۲. بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اصلاحات مالی.
۳. بررسی تأثیر اصلاحات مالی بر حکمرانی خوب.
۴. بررسی تأثیر اصلاحات مالی بر بهره‌وری با تأکید بر نقش میانجی حکمرانی خوب.
۵. بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری با تأکید بر نقش میانجی اصلاحات مالی.

منابع

بانک مرکزی. (۱۳۹۹). بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی. دسترسی در آدرس زیر:

<https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

بانک مرکزی. (۱۳۹۹). خلاصه تحولات اقتصادی کشور. دسترسی در آدرس زیر:

https://www.cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx

برخورداری، لیلا (۱۳۹۵). تأثیر آزادسازی حساب سرمایه بر بهره‌وری نیروی کار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد. تهران: پردیس البرز دانشگاه تهران.

بهبودی، داود؛ برقی اسکویی، محمد مهدی؛ محمدی خانقاهی، رباب (۱۳۹۶). اثرات افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری بخش معدن بر ارزش افزوده و صادرات بخش‌های مختلف اقتصادی ایران. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۴(۴)، ۱۹۹-۲۲۷.

پارسائیان، زهرا (۱۳۹۰). تحلیل نقش توسعه بازار مالی بر ارتقای بهره‌وری سرمایه: مطالعه موردی بخش صنعت و معدن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

تشکینی، احمد (۱۳۹۷). اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفیت. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران.

ثقفی، پویا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب در حال توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.

رحمانی، تیمور؛ معتمدی، سیما (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تشکیل سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸(۳۰)، ۱۱۷-۱۳۲.

رضائی، ابراهیم (۱۳۹۱). تحلیل اثرات عوامل نهادی بر رشد بهره‌وری کل عوامل در اقتصاد ایران با استفاده از مدل فضا حالت. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۶)، ۴۳-۶۰.

رهنورد، فرج‌اله؛ علی‌پور، حسین؛ دهدار، فرزین؛ خلیلی، حیدر (۱۳۹۸). چارچوب رابطه حکومت و مردم در ایران: رویکرد نهادی. مدیریت دولتی، ۱۱(۱)، ۲۷-۴۶.

زمانیان، غلامرضا؛ عبدی، زهرا (۱۳۹۴). برآورد میزان حمایت از صنعت فولاد کشور. فصل‌نامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۰(۷۷)، ۳۱-۵۸.

سازمان ملی بهره‌وری ایران (۱۳۹۹). آمار و اطلاعات. دسترسی در سایت زیر:

<https://www.npo.gov.ir/productivity-indicators-system#71869>

سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران. مدیریت دولتی، ۱۰(۱)، ۳۰-۱.

صیف‌اللهی، ناصر؛ حاضری، هاتف (۱۳۹۶). اثر توسعه مالی بر بهره‌وری نیروی کار: کاربردی از هم‌جمعی در داده‌های پانل پویا. پژوهش‌های اقتصاد پولی و مالی، ۲۴(۱۳)، ۲۵۲-۲۷۱.

- عطرکار روشن، صدیقه؛ موسوی، میرحسین؛ رسولی، فاطمه (۱۳۹۴). تجزیه تحلیل رشد بهره‌وری و ارزیابی عملکرد صنعت و زیربخش‌های آن (استان کردستان). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۹)، ۹۷-۱۲۱.
- کریم‌میان، زهره؛ محمدی، مهدی؛ قاضی نوری، سیدسپهر؛ ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۹۸). طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی با استفاده از روش فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۳)، ۳۷۷-۴۰۲.
- مهرگان، محمدرضا؛ حسین زاده، مهناز؛ ربیعی سرونندی، نیما. (۱۳۹۸). طراحی مدل آشفستگی - پویایی توسعه بهره‌وری منابع انسانی صنعت نفت ایران. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۳۰۹-۳۳۸.
- ولی‌زاده، عبدالله (۱۳۹۵). *بررسی اثرات تقاطعی سرمایه فکری و تورم بر عملکرد بخش صنعت در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.

References

- Abdullahi, D. (2013). Effects of Financial Liberalization on Financial Market Development and Economic Performance of the SSA Region: An Empirical Assessment. *Economic Modelling*, 30(1), 261-273.
- Adeusi, S. O., & Aluko, O. A. (2015). Relevance of Financial Sector Development on Real Sector Productivity: 21st Century Evidence from Nigerian Industrial Sector. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 5(6), 118-132.
- Atrkar Roshan, S., Mousavi, M. H., & Rasouli, F. (2015). Measuring and Analyzing the Productivity Index and Evaluation of Industrial Performance (Kordestan Province). *The Macro and Strategic Policies*, 3(9), 97-121. (in Persian)
- Balcerzak, A. P., & Pietrzak, M. B. (2016). Quality of Institutions and Total Factor Productivity in the European Union. *Statistics in Transition*, 17(3), 497-514.
- Barkhordari, L. (2016). *The Effect of Capital Account Liberalization on Labor Productivity*. Master Thesis, Tehran: University of Tehran Alborz Campus. (in Persian)
- Batuo, M., Mlambo, K., & Asongu, S. (2018). Linkages between Financial Development, Financial Instability, Financial Liberalisation and Economic Growth in Africa. *Research in International Business and Finance*, 45(3), 168-179.
- Bayyurt, N., Vildan Serin, Z., & Eban Arıkan, F. (2015). Good Governance and Agricultural Efficiency. *Journal of Social and Development Sciences*, 6(1), 14-23.
- Behbudi, D., Barghi Oskooee, M. M., & Mohammadi, R. (2018). The Effects of an Increase in the Investment and the Total Factor Productivity of the Mining Sector on the Value Added and Export of Different Economic Sectors in Iran. *Applied Theories of Economics*, 4(4), 199-227. (in Persian)
- Castelnovo, P., Chiara, F. D. B., & Massimo, F. (2019). Quality of Institutions and Productivity of State-Invested Enterprises: International Evidence from Major Telecom Companies. *European Journal of Political Economy*, 1(58), 102-117.

- Central Bank. (2020). Economic Time Series Database. Retrieved from <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>. (in Persian)
- Central Bank. (2020). Retrieved from https://www.cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx. (in Persian)
- Cheona, S., Dowallb, D. E., & Songc, D. W. (2010). Evaluating Impacts of Institutional Reforms on Port Efficiency Changes: Ownership, Corporate Structure, and Total Factor Productivity Changes of World Container Ports. *Logistics and Transportation Review*, 46(4), 546-561.
- Foster, N., Pöschl, J., & Stehrer, S. (2012). Manufacturing Productivity: Effects of Institutions and Service Sector Innovations. *The Vienna Institute for International Economic Studies*, 3(1), 1-16.
- International Labour Organization. (2015). Retrieved from <http://www.ilo.org/>.
- Jiang, Ch., & Zhang, P. (2017). Threshold Effects of Capital Account Liberalization on Productivity: Bootstrap Method in Non-dynamic Panels. *Wireless Personal Communications*, 102(4), 713-723.
- Jude, E. (2010). Financial Development and Growth: A Panel Smooth Regression Approach. *Journal of Economic Development*, 35(1), 15-33.
- Karimmian, Z., Mohammadi, M., Ghazinoori, S. S., & Zolfagharzadeh Kermani, M. M. (2019). Classification of Governance Features through Policy Networks Using Meta-synthesis Method. *Journal of Public Administration*, 11(3), 377-402. (in Persian)
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators: A Summary of Methodology, Data and Analytical Issues. *World Bank Policy Research Working Paper*, 5430, 1-28.
- Masron, T. A. (2013). Promoting Intra-ASEAN FDI: The Role of AFTA and AIA. *Economic Modelling*, 31(1), 43-48.
- McKinsey & Company. (2010). Retrieved from <http://www.mckinsey.com>.
- Mehregan, M. R., Hosseinzadeh, M., & Rabie Servandi, N. (2019). Modeling the Disturbance-Dynamics Model of Human Resources Development in Iran's Oil Industry. *Journal of Public Administration*, 11(2), 309-338. (in Persian)
- National Iranian Productivity Organization. (2020). Retrieved from <https://www.npo.gov.ir/productivity-indicators-system#71869>. (in Persian)
- Neupane, E. (2013). Efficiency and Productivity of Commercial Banks in Nepal: A Malmquist Index Approach. *Asian Journal of Finance & Accounting*, 5(2), 220-243.
- Ni, N., & Liu, Y. (2019). Financial Liberalization and Income Inequality: A Meta-Analysis Based on Cross-Country Studies. *China Economic Review*, 56(3), 1-17.
- North, D. C. (2016). Institutions and Economic Theory. *The American Economist*, 61(1), 72-76.

- Onoja, J. (2017). *Financial Sector Development and Agricultural Productivity*. Master's Thesis, San Francisco: University of San Francisco.
- Parsaeian, Z. (2011). *Analyzing the Role of Financial Market Development on Improving Capital Productivity: A Case Study of Industry and Mining*. Master Thesis, Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Branch. (in Persian)
- Procházka, P., & Čermáková, K. (2015). Influence of Selected Institutional Factors on the Economic Growth: Case Open Markets. *Procedia Economics and Finance*, 30(1), 702-709.
- Rahmani, T., & Motamedi, S. (2018). The Impact of Foreign Direct Investment on Capital Formation, Productivity and Economic Growth in Developing Countries. *Economic Growth and Development research*, 8(30), 117-132. (in Persian)
- Rahnavard, F., Alipour, H., Dehdar, F., Khalili, H. (2019). The Framework of Government-Citizen Relationship in Iran: An Institutional Approach. *Journal of Public Administration*, 11(1), 27- 46. (in Persian)
- Rezaei, E. (2012). Looking at The effects of Institutional Factors on TFP Growth In Iranian Economy: A State Space Model. *Journal of Economic Modeling Research*, 2(6), 43-60. (in Persian)
- Saghafi, P. (2015). *The Effect of Good Governance on Total Factor Productivity in Selected Developing Countries*. Master Thesis, Tabriz: Islamic Azad University. (in Persian)
- Salimi, J., & Maknoon, R. (2018). Qualitative Meta-analysis of Scientific Researches Concerning the Issue of Governance in Iran. *Journal of Public Administration*, 10(1), 1-30. (in Persian).
- Samargandi, N. (2018). Determinants of Labor Productivity in MENA Countries. *Emerging Markets Finance and Trade*, 54(5), 1063-1081.
- Sankoh, L. (2017). *Nonlinearity between Financial Development and Productivity Growth in Emerging Markets*. Master's Thesis. University of Baltimore.
- Sayfolahi, N., & Hazeri, H. (2017). The Effect of Financial Development on Labor Productivity: Cointegration Application in Dynamic Panel Data. *Financial Monetary Economics*, 24(13), 252-271. (in Persian)
- Serdaroğlu, T. (2015). Financial Openness and Total Factor Productivity in Turkey. *Procedia Economics and Finance*, 30(1), 848-862.
- Sethi, P., Chakrabarti, D., & Bhattacharjee, S. (2020). Globalization, Linancial Development and Economic Growth: Perils on the Environmental Sustainability of an Emerging Economy. *Journal of Policy Modeling*, 42(3), 520-535.
- Solow, R. (2016). Resources and Economic Growth. *The American Economist*, 61(1), 52-60.
- Stiglitz, J. E. (2012). *Good Growth and Governance in Africa*. Oxford: Oxford University Press.
- Tashkini, A. (2018). *Applied Econometrics with Microfit*. Tehran: The Dibagaran Publishers. (in Persian).

- Tavares J. (2009). Economic Integration and the Comovement of Stock Returns. *Economics Letters*, 103(2), 65-67.
- Valizadeh, A. (2016). *The Intersection Effect of Intellectual Capital and Inflation on Industrial Sector's Performance in Iran*. Master Thesis, Tabriz: Islamic Azad University. (in Persian)
- World Bank. (2020). World Development Indicators. Retrieved from <http://www.worldbank.org/data/online-databases.html>.
- World Bank. (2020). Worldwide Governance Indicators. Retrieved from <http://info.worldbank.org/governance/wgi/>.
- Yang, H., Shi, F., Wang, J., & Jing, Zh. (2019). Investigating the Relationship between Financial Liberalization and Capital Flow Waves: A Panel Data Analysis. *International Review of Economics & Finance*, 59(3), 120-136.
- Zamanian, Gh., & Abdi, Z. (2016). Estimating the Degree of Protection in Iran's Steel Industry. *Journal of Trade Studies*, 20(77), 31-58. (in Persian)
- Zghidi, N., & Abida, Z. (2014). Financial Development, Trade Openness and Economic Growth in North African Countries. *The Romanian Economic Journal*, 17(53), 91-120.